



Energy diplomacy and Russia's performance in the form of OPEC+

Meysam Rezazadeh¹
Mari Maleki²

Abstract

The growth of energy diplomacy and networking has caused more interaction at the international level. In a long period of time, the OPEC member countries played a role as the most important decision-making players in the energy market, but over time, players like Russia decided to cooperate and interact more with the energy-owning countries, especially OPEC, in order to have more influence, and formed a coalition in the form of OPEC Plus. Russia and Saudi Arabia are its biggest players. Russia seeks to play a greater role in the energy market and replace itself instead of America in the region, and OPEC members seek to reduce dependence on the West and diversify the sales market and dominate the pricing market. Both sides realized that their proximity leads to market growth and more power. The question of the article is, what approach does Russia follow in OPEC+? What advantages has this alliance had for Russia? In the framework of energy diplomacy, the article has divided the approach of Russia's energy policy into two parts before and after the formation of OPEC Plus. Fields such as shale oil, the price crisis have caused Russia's attitude to change from competition to cooperation. Considering the presence of Russia in this alliance, Russia's emergence as an important player in determining the price of oil market, raising political and economic interests, disrupting the balance between Riyadh and Washington, and greater cooperation between Saudi Arabia and Russia are among the advantages that Russia has in this. The coalition has won.

Keywords: Russia, Energy Diplomacy, OPEC+, Oil, Price Crisis.

1. PhD Student in International Relations, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran. (Corresponding Author).
meysamrezazadeh1367@gmail.com
2. Master of International Relations, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.
marimaleki67@gmail.com

Mesopotamian Political Studies, 2023, Vol. 2, Issue 1, pp. 27-51.

Received: 30 January 2023, **Accepted:** 19 March 2023

Doi: 10.22126/MPS.2023.8754.1016



Copyright © The Authors
Publisher: Razi University.

دیپلماسی انرژی و عملکرد روسیه در قالب اوپک پلاس

میثم رضازاده^۱

ماری ملکی^۲

چکیده

رشد دیپلماسی انرژی و شبکه‌ای شدن سیاست خارجی کشورها باعث شده فعل و انفعالات در یک کشور و یک سازمان بقیه جهان را نیز تحت تأثیر خود قرار دهد. در یک بازه زمانی طولانی، کشورهای عضو اوپک به‌عنوان مهم‌ترین بازیگران تصمیم‌گیرنده در بازار انرژی نقش آفرینی می‌کردند؛ اما به‌مرور بازیگرانی مانند روسیه تصمیم گرفتند برای تأثیرگذاری بیشتر به همکاری و تعامل بیشتر با کشورهای دارنده انرژی، به‌خصوص اوپک بپردازند. بر این اساس، ائتلافی در قالب اوپک پلاس به وجود آورده‌اند که روسیه و عربستان بزرگ‌ترین بازیگران تصمیم‌گیرنده در این ائتلاف محسوب می‌شوند. روسیه به دنبال نقش آفرینی بیشتر در بازار انرژی و جایگزین کردن خود به جای آمریکا در منطقه است و اعضای اوپک هم به دنبال کاهش وابستگی به غرب و تنوع بازار فروش و سلطه بر بازار قیمت‌گذاری. دو طرف ارزیابی کرده‌اند که نزدیکی آن‌ها باعث رشد بازار و قدرت بیشتر خواهد شد. سؤال مقاله این است که روسیه چه رویکردی را در اوپک پلاس دنبال می‌کند؟ و این ائتلاف چه مزایایی برای روسیه داشته است؟ مقاله به روش تبیینی، در چارچوب دیپلماسی انرژی، رویکرد سیاست انرژی روسیه را به دو بخش قبل و بعد از تشکیل اوپک پلاس تقسیم کرده است. زمینه‌هایی همچون نفت شیل و بحران قیمت‌ها باعث شده نگرش روسیه از رقابت به همکاری تغییر کند. با توجه به حضور روسیه در این ائتلاف، مطرح شدن روسیه به‌عنوان بازیگر مهم در تعیین قیمت بازار نفت، بالا بردن منافع سیاسی و اقتصادی، برهم خوردن توازن ریاض-واشنگتن و همکاری بیشتر عربستان-روسیه از مزایایی است که روسیه در این ائتلاف کسب کرده است.

کلیدواژه‌ها: روسیه، دیپلماسی انرژی، اوپک پلاس، نفت، بحران قیمت.
پژوهش‌های علمی - پژوهشی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران
(نویسنده مسئول). meysamrezazadeh67@gmail.com

۲. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابل، ایران.
marimaleki67@gmail.com

مطالعات سیاسی بین‌النهرین، ۱۴۰۲، دوره دوم، شماره اول، ۲۷-۵۱.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۸

Doi: 10.22126/MPS.2023.8754.1016

ناشر: دانشگاه رازی

© نویسندگان.



۱. مقدمه

روسیه و اوپک، به‌عنوان دو بازیگر عمده انرژی، تعامل و تقابل‌هایی داشته‌اند که تأثیرات متفاوتی را برای هریک از آن‌ها به دنبال داشته است. روسیه با آگاهی از ظرفیت‌های انرژی خود، قادر به تأثیرگذاری بر جایگاه اوپک در بازار جهانی انرژی است؛ به‌گونه‌ای که ضرورت همکاری دو بازیگر بیش از پیش آشکار شده و الگوی تعامل جدیدی میان آن‌ها شکل گرفته است. این الگوی تعامل بر مبنای نقش موازنه‌دهنده‌ای است که این کشور میان دو عضو مهم اوپک، یعنی ایران و عربستان، ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، روسیه با توسعه روابط اقتصاد انرژی خود با ایران و عربستان توانسته است زمینه‌ای برای اوپک پیرامون کنترل تولید و کاهش عرضه نفت را فراهم آورد (مرادی و بهرامی‌پور، ۱۳۹۶: ۱۶۵).

به‌طور کلی، تعادل جهانی عرضه و تقاضا در دهه گذشته افزایش یافته است. در مقایسه با تقاضای روزانه ۸۶٫۴ میلیون بشکه نفت در سال ۲۰۱۰، مسیر تقاضا در سال ۲۰۲۰ به ۹۰٫۶۲ میلیون بشکه در روز افزایش یافته است. کاهش جزئی در سال ۲۰۲۰ نسبت به سال قبل به دلیل اثرات اقتصادی و تحرکی ویروس کرونا مانند اعمال اقدامات قرنطینه در سراسر جهان بود. همچنین مشخص شد که سطح تولید نفت در کشورهای اوپک در دهه گذشته کاهش یافته، در حالی که در کشورهای غیر اوپک افزایش یافته است. پیش‌بینی می‌شود تقاضای جهانی نفت در سال ۲۰۲۲ به دلیل بهبود تقاضا برای حمل‌ونقل و سوخت‌های صنعتی، از ۱۰۰ میلیون بشکه در روز فراتر برود. در عین حال، توسعه مدرن بازار جهانی نفت با وجود تضاد منافع در خصوص تولید و مصرف نفت به‌عنوان منبع اصلی انرژی، با شکل‌گیری قیمت جدید نفت همراه است. برای حفظ تعادل منافع، ایجاد شرایط بهینه برای عملکرد بازار و سازوکارهای خارجی برای تنظیم تعامل ضروری است (Zhang, 2021: 1-2). همچنین جایگاه و درصد تأثیرگذاری در مجامع انرژی به‌عنوان نهادهای تصمیم‌ساز می‌تواند نشان‌دهنده موفقیت یک کشور در دستیابی به منافع و اهداف ملی باشد (کریمی پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۶). در همین راستا، روسیه مقوله تبادل انرژی با کشورهای منطقه خاورمیانه را در سیاست خود گنجانده است تا از راه گسترش همکاری‌های خود با کشورهای نفت‌خیز و گازی حوزه خلیج فارس، بر جریان انرژی که معادلات آینده جهان با آن سنجیده می‌شود، تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد (Katz, 2015: 56؛ کیانی و خان‌محمدی، ۱۳۹۶: ۳۵۴).

شرکای اصلی روسیه در معاملات انرژی، اروپا به‌عنوان یک مشتری وفادار، آسیای مرکزی به‌عنوان یک تأمین‌کننده ثابت و خاور دور به‌عنوان متنوع‌کننده بازار آینده است؛ ولی سرمایه‌گذاری روسیه در منطقه نشان می‌دهد که خاورمیانه نیز نقش مهمی در استراتژی کلان روسیه دارد. با توجه به اینکه مهم‌ترین

نهاد و سازمان انرژی دنیا، یعنی اوپک، به دست کشورهای خاورمیانه اداره می‌شود، روسیه به‌خصوص پس از سال ۲۰۱۶ در قالب ائتلافی به نام اوپک پلاس که شامل ۱۳ عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) و ۱۱ متحد به رهبری روسیه است، سعی کرده در بازار معادلات نفتی نقش پررنگ‌تری ایفا کند؛ بنابراین، بررسی عملکرد این کشور در آن مهم است. زیرا با وجود اینکه همچنان در جهان سعی می‌شود انرژی‌های جایگزین برای انرژی‌های فسیلی تولید شود، اما همچنان نفت و گاز نقش قابل توجهی در انرژی مصرفی کشورهای جهان دارد. بنابراین، بررسی بازیگران تعیین‌کننده در بازار انرژی مهم است. مقاله پیش‌رو در نظر دارد به این سؤال پاسخ دهد که روسیه چه رویکردی را در قالب اوپک پلاس دنبال کرده است؟ زمینه‌های شکل‌گیری و مزایای پیوستن روسیه به اوپک پلاس چه بوده است؟ این نوشتار در نظر دارد تا با بررسی روابط روسیه قبل و بعد از شکل‌گیری اوپک پلاس، تفاوت عملکرد روسیه را نشان دهد. فرضیه مقاله رویکرد روسیه را کاملاً عمل‌گرایانه و در چارچوب دیپلماسی انرژی برای بالا بردن منافع خود دانسته است. همچنین نفت شیل آمریکا و موقعیت موجود بازار نفت از عوامل مؤثر بر نزدیکی دو طرف است که به آن پرداخته می‌شود. این نوشتار اثبات می‌کند که روسیه، به‌رغم تحریم‌ها، توانسته منافع خود را با پیوستن به اوپک پلاس تأمین کند و با این کار، از نظر اقتصادی و سیاسی نیز در سطح داخلی و خارجی مزایایی کسب کند و در بازار قیمت‌گذاری تبدیل به مهره مهمی شود. همچنین برهم خوردن توازن ریاض-واشنگتن و همکاری بیشتر عربستان-روسیه از جمله مزایایی است که روسیه در این ائتلاف کسب کرده است.

۲. پیشینه پژوهش

مقالاتی را که در زمینه انرژی و اوپک نوشته شده می‌توان به چند روش تقسیم کرد. دسته‌ای از نوشته‌ها با روش کمی به تأثیرات بازار اوپک پرداخته‌اند و دسته‌ای دیگر با روش کیفی سازمان اوپک را به‌خصوص از جنبه امنیتی و اقتصادی بررسی کرده‌اند. روش دیگر دسته‌بندی را می‌توان نوشتار در قالب تأثیرات امنیتی، تأثیرات اقتصادی و از منظر فرصت‌های همگرایانه و واگرایانه نقش اوپک در نظر گرفت. اما به‌طور کلی، مقاله مستقلی که مخصوصاً به‌طور واضح به عملکرد اوپک پلاس و بازیگر اصلی آن، یعنی روسیه پرداخته باشد کمتر به چشم می‌خورد. بنابراین، مقاله حاضر سعی کرده تا در قالب چارچوب دیپلماسی انرژی، به نقش روسیه و سیاست اوپک پلاس از منظر کیفی بپردازد. نمونه‌ای از مقالات در این زمینه عبارت است از:

طباطبایی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان «قدرت بازاری اوپک: آزمون وجود رفتار

همکارانه اعضای اوپک با رویکرد ARDL» با روش کمی به موضوع پرداخته‌اند. جمالی و همکاران (۱۴۰۰) مقاله «بررسی تأثیر اجلاس اوپک بر درآمدهای نفتی ایران، رهیافت مدل ترکیبی SVAR-Quantile» را و کریمی‌پور و همکاران (۱۳۹۶) مقاله «نقش دیپلماسی انرژی در سیاست خارجی روسیه و قطر» را به رشته تحریر درآورده‌اند. مرادی و بهرامی‌پور (۱۳۹۶) در مقاله «راهبرد انرژی روسیه: ضرورت همکاری با اوپک»، به این موضوع پرداخته‌اند که رویکرد روسیه به اوپک تغییر کرده است. ژانگ و همکاران (۲۰۲۱) مقاله‌ای با عنوان «ابزارهای تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای جنگ‌های تجاری اوپک‌پلاس» را نوشته‌اند. کروتیخین و اورلین (۲۰۲۰) نیز در مقاله «اوپک و روسیه، پیوندی خوش فرجام» به این همکاری برای بالا بردن قیمت نفت از طریق تأثیرگذاری بر روان‌شناسی بازار اشاره کرده‌اند.

۳. چارچوب نظری

۳-۱. دیپلماسی انرژی

گرایش به دیپلماسی‌های ترکیبی، از جمله دیپلماسی انرژی، تنها ناشی از گستردگی و پیچیدگی امور دیپلماتیک و ضرورت و فایده تخصصی شدن آن‌ها نیست؛ بلکه تحولات مهمی مانند پایان جنگ سرد و ظهور بازیگران جدید و پیدایش موضوعات و چالش‌های نوین امنیتی، محیط زیستی و توسعه‌ای - که طی دو دهه اخیر در ساختار و ماهیت روابط بین‌الملل روی داده - توجه به حوزه‌های تخصصی دیپلماسی را ایجاب کرده است. از تحولات مهمی که به‌ویژه پس از جنگ سرد رخ داد، از حاشیه به متن آمدن امور اقتصادی و اجتماعی و کاهش چشمگیر رقابت‌های تسلیحاتی و تغییر نگرش سخت‌افزارانه به امنیت و قدرت و اقبال به مؤلفه‌های نرم‌افزارانه در قدرت سیاسی و اقتصادی است. با درک واقع‌بینانه و جسورانه این تحولات، بسیاری از کشورها جهت‌گیری سیاست خارجی و دیپلماسی خود را از رویکرد امنیت‌محور و تقابل با دیگران رها ساخته و رویکرد توسعه‌محور مبتنی بر تعامل و رقابت را پیش گرفته‌اند و از این رهگذر توانسته‌اند جایگاه بهتری در سلسله‌مراتب قدرت و ثروت کسب نمایند (اسلامی، ۱۳۹۱: ۱۹۰).

در اینجا دیپلماسی که یکی از جامع‌ترین و گسترده‌ترین اصطلاحات روابط بین‌الملل است، با ابزار آن تعریف می‌شود. رویه دیپلماسی، بسته به تحول نظام بین‌الملل در سطوح مختلف به‌ویژه از نظر ابزار یا جنبه‌هایی که به کار می‌برد، دستخوش تغییراتی شده است. صرف نظر از تغییرات در نظام بین‌الملل و جنبه‌های دیپلماسی فوق، اهمیت انرژی هرگز از بین نرفته است؛ در مقابل، همیشه منحنی شیب‌دار رو به بالا را دنبال می‌کند. حتی اگر در دنیای امروز تنوع انرژی وجود داشته باشد، یعنی خورشید، باد و هسته‌ای، انرژی فسیلی همچنان انرژی فسیلی مقدم است (Uludağ, 2013: 102).

دیپلماسی انرژی هنوز تعریف روشنی ندارد. با این حال، چندین عنصر دیپلماسی انرژی را با توجه به اهداف و مبنای سیاست می توان ترسیم کرد. دیپلماسی انرژی استفاده از سیاست خارجی برای تضمین دسترسی به منابع انرژی در خارج از کشور و ارتقای همکاری در بخش انرژی است. در این مورد، اجرای دیپلماسی انرژی است که امنیت ملی انرژی را تضمین می کند و در عین حال، پتانسیل تجاری مرتبط با بخش انرژی را ارتقا می دهد (Rudiany et al, 2021: 2).

از معدود تحلیلگرانی که تعریفی از دیپلماسی انرژی ارائه کرده اند، گلدتاو و ویت^۱ را باید نام برد که آن را به عنوان استفاده از سیاست خارجی برای تضمین دسترسی به منابع انرژی در خارج از کشور و ترویج (بیشتر دوجانبه، یعنی همکاری دولت به دولت در بخش انرژی) به کار برده اند. این تعریف نشان می دهد که واحدهای اولیه تحلیل، حالت ها یا بازیگران دولتی هستند و محرک اصلی انعقاد قراردادهای نفت و گاز لزوماً به حداکثر رساندن فرصت های تجاری نیست، بلکه هدف امنیت ملی است. اصول اصلی تعریف گلدتاو از دیپلماسی انرژی، برتری بازیگران دولتی و تأکید بر امنیت ملی است (Mirza Sadaqat & Saleem, 2017: 205).

همچنین باید گفت در یک سیستم بین المللی معاصر، منابع انرژی یا به عبارت دقیق تر، دیپلماسی انرژی، به ابزاری کارآمد تبدیل شده است. سیاست تأمین انرژی به اندازه سایر ابزارهای اقتصادی، قدرت نظامی و تاکتیک دیپلماتیک بخشی از زرادخانه سیاست است. این به ایده جیمز ای. دوگرتی و رابرت ال. فالترگراف^۲ اشاره دارد که بیان می کنند به نظر نمی رسد قدرت نظامی متغیری کلیدی برای توضیح جایگاه دولت ها در نظام بین الملل باشد. پیش بینی هایی وجود دارد که نشان می دهد نگرانی های مربوط به امنیت اقتصادی بر نگرانی های امنیتی نظامی غالب خواهد شد (Cesnakas, 2010: 33). این مطالعه بر منابع انرژی فسیلی به عنوان دارایی های دیپلماتیک متمرکز است. همچنین به دنبال پیوند مفهوم انرژی با مفهوم دیپلماسی با استفاده از این تعریف است.

۲-۳. پیوند رژیم های انرژی و دیپلماسی انرژی

انرژی را می توان مهم ترین بخش اقتصاد کشورهای دارنده نفت و گاز دانست که می تواند در روابط سیاسی قدرت مانور کشورها را افزایش دهد؛ به خصوص در بخش قیمت گذاری و تأثیر بر بازار دادوستد آن، خود یک قدرت محسوب می شود. بنابراین، کشورهای مطرح دارنده انرژی سعی دارند در دیپلماسی

1. Andreas Goldthau & Jan Martin Witte

2. James E. Dougherty & ttttt tL. Pfaltzgraff

خود به این بخش توجه ویژه‌ای کنند؛ به‌خصوص در زمانی که قرار باشد تعاملات در قالب ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی و ائتلاف با آن شکل بگیرد.

رژیم بین‌المللی انرژی به‌طور گسترده ترتیبات قانونی و نهادی بین کشورهای واردکننده و صادرکننده انرژی است؛ همچنین قوانین و سازوکارهای تجارت و انتقال انرژی بین‌المللی را تنظیم می‌کند. هدف این رژیم حفظ تعادل در رقابت بین منافع مختلف دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی انرژی است. دیپلماسی انرژی در این مرحله وارد عمل می‌شود تا از جنبه‌های مرتبط با انرژی از ارزش‌های ملی برای تقویت قدرت چانه‌زنی کشورها در رژیم بین‌المللی انرژی استفاده کند. در داخل این رژیم، دیپلماسی انرژی استفاده مؤثر از گفت‌وگو و آشتی را در بین اتحادهای استراتژیک مختلف حفظ می‌کند. گفت‌وگو و آشتی همچنین برای سازگاری تازه‌واردان با رژیم انرژی بین‌المللی و تداوم موقعیت مسلط قدرت‌های بزرگ - که از قضا با حفظ وضعیت موجود تعادل را حفظ می‌کند - مهم است. این وضعیت موجود برای یک جریان سالم انرژی برای برآوردن تقاضای انرژی بازیگران مختلف، به‌ویژه در زمان درگیری‌های مسلحانه، بلایای طبیعی و بحران‌های مالی بین‌المللی ضروری است. با این حال، دیپلماسی انرژی همیشه چنین مسیر مثبتی را دنبال نمی‌کند (Uludağ, 2013: 103). در واقع، از آنجا که دیپلماسی انرژی در سیاست خارجی کشورها کارکردهای متنوع و متعددی دارد، دیپلماسی انرژی ابزاری در عرصه سیاست خارجی است که دسترسی به عرضه انرژی و ارتقای همکاری‌های دوجانبه در بخش انرژی را ممکن می‌سازد و با این کار سبب می‌شود تا احتمال وقوع منازعه‌ها و ریسک‌های تند کاهش یابد (کریمی‌پور و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۸۲). اما همواره این گونه نیست. در مواقعی نیز از دیپلماسی انرژی برای فشار آوردن بر کشورهای ثالث استفاده می‌شود؛ به‌خصوص که همه کشورها از این سلاح برخوردار نیستند.

از این دیدگاه، می‌توان از دیپلماسی انرژی در سازمانی مانند اوپک به‌عنوان ابزار فشار بر دیگر کشورها به منظور پیشبرد اهداف کشورهای دارای انرژی یاد کرد؛ زیرا عقلانیت یک دولت در نظام بین‌الملل لزوماً با عقلانیت اقتصادی مرتبط نیست. اهداف بلندمدت در نظام بین‌الملل ممکن است لزوماً با هدف اقتصادی افزایش سود مالی مطابقت نداشته باشند. منافع اقتصادی کوتاه‌مدت آشکار ممکن است قربانی افزایش قدرت سیاسی و ژئوپلیتیکی دولت شود. فقدان عقلانیت اقتصادی در کشورهای تولیدکننده منابع انرژی مشاهده می‌شود. برخی کشورها منابع انرژی را به قیمتی بسیار پایین‌تر از قیمت بازار به برخی از کشورها می‌فروشند؛ زیرا برای اهداف سیاست خارجی یا داخلی و امنیت ملی تلاش می‌کنند؛ مانند روسیه، ایران و ونزوئلا. این بدان معنا نیست که آن‌ها غیرمنطقی عمل می‌کنند؛ اگرچه

اقدامات از نظر اقتصادی غیرمنطقی هستند، اما قدرت دولت تنها از درون پارامترهای اقتصادی درک نمی‌شود (Česnakas, 2010: 35).

بازار انرژی و عملکرد دولت‌ها در این بخش پیچیدگی خاص خود را دارد و اهداف مختلفی در پشت آن نهفته است؛ بنابراین، فروش پایین یا قیمت کمتر در یک دوره زمانی می‌تواند در بلندمدت تأثیرات دیگری داشته باشد و نمی‌توان آن را به راحتی تحلیل کرد و برای بررسی آن نگاه عمیق‌تری لازم است. در ادامه، با بررسی سیاست انرژی روسیه، سعی می‌شود این رفتارها تبیین گردد.

۴. سیاست انرژی روسیه

روسیه از بزرگ‌ترین صادرکنندگان نفت و گاز طبیعی است، در حالی که دارای بزرگ‌ترین ذخایر گاز طبیعی و هشتمین ذخایر بزرگ نفت در جهان است. هیدروکربن‌ها حدود دوسوم صادرات روسیه، نیمی از درآمدهای دولت و حدود یک‌سوم تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهند. از این نظر، پوتین بر یک امپراتوری بزرگ انرژی حکومت می‌کند و سرنوشت روسیه و انرژی درهم‌تنیده است. بنابراین، منافع اصلی روسیه در روابط بین‌الملل دیگر در استقرار واحدهای نظامی در خارج از کشور، جست‌وجوی پایگاه‌های دریایی و مقابله با آمریکا نیست، بلکه حفظ ابرقدرت انرژی روسیه است. در واقع اهمیت منابع هیدروکربنی برای تثبیت وضعیت قدرت بزرگ لازم است. بذر سیاست فعلی انرژی روسیه را ولادیمیر پوتین در پایان‌نامه دکتری خود در سال ۱۹۹۷ در مؤسسه معدن پترزبورگ کاشت. او در استدلال‌های خود در پایان‌نامه، به استفاده از بخش منابع روسیه برای احراز مجدد موقعیت امپراتوری روسیه اشاره کرد (Erenler, 2013: 185). همچنین باید افزود از آنجا که تنها داشتن بخش بزرگی از انرژی جهان برای قدرتمندی کافی نیست، دولت روسیه به‌خصوص با ریاست پوتین، بر ابعاد دیگر انرژی، یعنی بر بازارهای جهانی نفت و کشورهای متحد نفتی و سازمان‌های آن‌ها تمرکز کرده و سعی کرده نقش آفرینی کند و بر قیمت‌ها تأثیر بگذارد که در این استراتژی، از همکاری تا رقابت را شاهد بوده‌ایم.

در این راستا، بعد از روی کار آمدن پوتین در روسیه، بار دیگر توجه به منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به‌ویژه کشورهایی که در گذشته از دوستان و متحدان نزدیک اتحاد شوروی بودند معطوف شد. در دوره زمانی مختلف روس‌ها از این منطقه دیدار کردند و از مقامات این منطقه برای دیدار از روسیه دعوت کردند (کوشکی و طاهری، ۱۳۹۴: ۴۴). به‌طور کلی، روسیه به‌ویژه از دوره دوم ریاست جمهوری پوتین تلاش کرد تا با استفاده از اهرم‌های مختلف به‌ویژه انرژی، ضمن بازسازی زیرساخت‌های اقتصادی، موقعیت این کشور را به‌عنوان یک قدرت بزرگ در سیاست‌گذاری بین‌المللی تقویت کند. این روند

سبب شده تا امروز انرژی متغیر اصلی تعیین‌کننده تغییر موقعیت روسیه باشد از یک ابرقدرت توسعه‌نیافته به بازیگری هژمون دست کم در حوزه سیاست‌گذاری جهانی انرژی (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۵: ۲۱).

همچنین با بررسی راهبرد امنیت ملی روسیه ۲۰۲۰، می‌بینیم که اهمیت اقتصاد و تجارت به نقش برجسته سیاست انرژی برای فدراسیون روسیه و اهداف نظامی-امنیتی آن تبدیل شده است. مسکو یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان نفت و گاز در سطح بین‌المللی است و امنیت و ثبات در این بازار مستقیماً بر شرایط اقتصادی و به تبع آن امنیت ملی آن تأثیرگذار خواهد بود (زهرانی و فرجی لوحه‌سرا، ۱۳۹۳: ۸۰). با توجه به این راهبرد می‌توان استدلال کرد که مهم‌ترین عامل محرک روسیه برای احیای جایگاه خویش و کسب منافع حداکثری، توانایی تأثیرگذاری بر منابع انرژی (نفت و گاز) در سطحی منطقه‌ای و جهانی است. در این راستا، الگوی تعامل روسیه با کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) طی سال‌های متمادی ترکیبی از رقابت توأم با همکاری بوده است. دورانی که اوپک سیاست کاهش تولید را برای دفاع از قیمت تعقیب می‌کرد، روسیه نیازی به همکاری با اوپک احساس نمی‌کرد؛ اما در زمان سقوط فاحش قیمت‌های جهانی نفت، روسیه به‌طور مقطعی با درخواست اوپک برای کاهش تولید موافقت کرد (مرادی و بهرامی‌پور، ۱۳۹۶: ۱۵۷). روسیه در طول زمان به اهمیت همکاری با سازمانی مانند اوپک پی برده است، تا جایی که در سال ۲۰۱۶ همکاری با کشورهای صادرکننده نفت را رسماً اعلام کرد.

۵. روابط انرژی روسیه با اوپک، قبل از اوپک پلاس

در دهه اول تأسیس اوپک، یعنی دهه ۱۹۶۰، شوروی خود یک دولت نفتی، صادرکننده و متکی به درآمدهای صادراتی بود؛ دولتی که رقابت همه‌جانبه و فشرده‌ای با غرب و هزینه‌های بالای نظامی و صنعتی نه‌چندان کارآمد داشت. بنابراین، نقش درآمدهای حاصل از صادرات انرژی برایش حیاتی بود؛ اما از سوی دیگر، اوپک یک سازمان جهان‌سومی بود که می‌توانست برای آمریکا و غرب مسائلی ایجاد کند. بنابراین مورد اقبال شوروی بود (حشمت‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۲۱).

در دهه ۱۹۷۰، اتحاد جماهیر شوروی به عضویت در اوپک فکر کرد؛ اما این ایده هرگز اجرا نشد که چندین دلیل داشت. اول اینکه اگر قرار بود عضو اوپک شود، می‌خواست نقش مهمی در این سازمان ایفا کند؛ اما کشورهای مؤسس نمی‌خواستند تحت‌الشعاع یا زیر سلطه شوروی قرار بگیرند. علاوه بر این، اساس‌نامه اوپک شامل الزاماتی بود که با برنامه کمونیستی اتحاد جماهیر شوروی ناسازگار بود. این موارد باعث شد روابط دیپلماتیک بین روسیه و اوپک تا سال ۱۹۹۲ شکل نگیرد. همچنین با ادامه توسعه صنعت نفت و گاز شوروی، گاز طبیعی هم در سیستم انرژی داخلی شوروی و هم به‌عنوان صادرات به دیگر

کشورهای بلوک کمونیستی و اروپای غربی اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرد؛ در صورتی که اوپک یک کارتل نفت است نه یک کارتل گاز. در نتیجه این عوامل، این دو در بسیاری از زمینه‌ها به‌عنوان رقیب و نه شریک بالقوه در نظر گرفته شدند (Krutikhin & Overland, 2020: 243).

از سال ۱۹۹۱، روابط روسیه با اوپک مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته است. روسیه که از بحران اقتصادی ۱۹۹۸ نجات یافته بود، شروع به افزایش صادرات کرد و باعث نارضایتی اوپکی‌ها شد؛ زیرا در آن زمان قیمت هر بشکه حدود ۱۰ دلار بود و کشورهای اوپک تولید خود را کاهش می‌دادند. کار به جایی رسید که اوپک روسیه را به سقوط قیمت نفت (دیپلماسی اجباری یا تهدید جنگ اقتصادی) تهدید کرد. اما روسیه برای اینکه امکان حل این‌گونه مناقشات را داشته باشد، از سال ۱۹۹۸ شروع به شرکت در جلسات کنفرانس اوپک و همچنین در جلسات کارشناسی کرد (Reinhardt & Pronichkin, 2018: 102-103).

در سال ۱۹۹۸/۹۹، مکزیک، عضو غیر اوپک و عربستان سعودی و ونزوئلا، اعضای اوپک، به‌طور مشترک پیشنهاد تشکیل یک آبر اتحاد غیررسمی از تولیدکنندگان نفت را به نام «۸ بزرگ» دادند که عملی نشد. به‌طور کلی، طی ۲۰ سال آینده، روسیه چندین بار با اوپک برای کاهش تولید به توافق رسید؛ اما هرگز به تعهدات خود عمل نکرد. در تابستان سال ۲۰۰۰، مشخص شد که روسیه قصد ندارد به اوپک بپیوندد و دولت روسیه این را رسماً اعلام کرد. کارشناسان مستقر در مسکو استدلال کردند که اگر این کشور به اوپک بپیوندد، همچنان تنها «شریک کوچک» کارتل خواهد بود و موظف است صادرات نفت خود را کاهش دهد و کار خود را برای احیای تولید نفت پس از فروپاشی دهه ۱۹۹۰ کنار بگذارد. در آن زمان در داخل روسیه، اجماع بر سر همکاری با اوپک وجود نداشت (Krutikhin & Overland, 2020: 243).

در سال ۲۰۰۲، جنگ نفتی بین اوپک و روسیه دوباره آغاز شد. این درگیری با افزایش قیمت نفت در اوایل سال ۲۰۰۳، در آستانه حمله آمریکا و انگلستان به عراق حل شد (Reinhardt & Pronichkin, 2018: 103). این مورد نیز مهم است که طی دوران بازسازی عراق، روسیه در آن حضور داشته است. روسیه سعی داشته دیپلماسی خود در زمینه انرژی را با هدف وابستگی آن‌ها به خود به کار بگیرد. بدین ترتیب تقریباً در اکثر کشورهای عربی شاهد حضور شرکت‌های روسی در پژوهش و حفاری نفت و نیز گاز بوده‌ایم. همچنین در کشورهای دیگر منطقه از جمله عربستان به‌عنوان بازیگر مهم حضور داشت. این یکی از روش‌های مهم در سیاست انرژی روسیه محسوب می‌شود.

در سال ۲۰۰۳، لوک اولین^۱ شرکت انرژی روسی بود که در عربستان سعودی فعالیت می‌کرد (Coates Ulrichsen et al, 2022).

همان‌طور که گفته شد، روسیه دائماً به‌عنوان ناظر در کنفرانس‌های وزیران اوپک شرکت می‌کرد و آماده گفت‌وگوهای بیشتر است. در نشست اکتبر ۲۰۰۴ در مسکو، آمادگی روسیه برای ادامه راینی‌ها در قالب همکاری‌های چندجانبه و دوجانبه مجدداً تأیید شد. در سال‌های اخیر نیز روابط بین اوپک و روسیه بهبود یافته است (Reinhardt & Pronichkin, 2018: 1023). روابط اوپک و روسیه در آن زمان محدود به تبادل نظر و حضور منظم در جلسات سالانه گفت‌وگوی انرژی اوپک و روسیه بود که از دسامبر ۲۰۰۵ به بعد رسمیت یافت، بدون هیچ نتیجه ملموسی. حتی روسیه در کاهش تولید دوره‌ای این سازمان، مانند توافق اکتبر ۲۰۰۸ برای کاهش تولید روزانه ۴,۲ میلیون بشکه، به اوپک نپیوست. با بررسی این دوره از روابط می‌توان مشاهده کرد که روسیه و اوپک بیشتر به‌عنوان رقیب بوده‌اند و دیدگاه متفاوتی به هم داشته‌اند و سیاست و دیپلماسی‌های انرژی در هر دو طرف تنها یک دیدگاه داشته است، آن‌هم به دست آوردن بیشترین سود در کوتاه‌مدت بوده است.

۶. زمینه‌های شکل‌گیری اوپک پلاس

به‌رغم ماهیت متضاد بازار انرژی، دولت‌ها اشکال مختلفی از همکاری را توسعه داده‌اند که ایجاد سازمان‌های انرژی محور محبوب‌ترین گونه آن است. دلایل متعددی برای مشارکت آن‌ها در سازمان‌های انرژی محور وجود دارد، از جمله: (۱) چنین سازمانی ممکن است تبادل اطلاعات بین دولت‌های کشورهای عضو را تسهیل کند. (۲) می‌تواند به‌عنوان یک انجمن برای ارائه مقاصد کشورهای شرکت‌کننده عمل کند. (۳) می‌تواند در تعیین استانداردها برای سیاست‌های انرژی ملی، کاهش هزینه‌های مبادلات و بهبود شفافیت بازار انرژی مفید باشد. (۴) همکاری می‌تواند به اعضای سازمان برای کاهش نوسانات در بازار کمک کند. (۵) اعضای چنین سازمانی می‌توانند در تعیین سهمیه تولید و تصمیمات قیمت‌گذاری تأثیر داشته باشند. (۶) عضویت در یک سازمان بین‌المللی انرژی محور و استفاده هماهنگ از منابع انرژی ممکن است منافع سیاسی به همراه داشته باشد و به‌عنوان اهرمی در سیاست خارجی و امنیتی عمل کند. استثناهای مشارکت در یک سازمان انرژی محور تمایل به انگیزه سیاسی دارند. این به آن معناست که چرا تعداد اعضای اوپک از پنج کشور در سال ۱۹۶۰ به ۱۴ نفر در حال حاضر افزایش یافته است (Ulatowski, 2020: 244).

جولیا گری^۱ در مطالعه خود درباره حیات سازمان‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که آن‌ها ممکن است در یکی از سه موقعیت قرار بگیرند: اول، ممکن است از بین بروند؛ اما این اتفاق به ندرت رخ می‌دهد. دوم، ممکن است به یک «زامبی» تبدیل شوند؛ به این معنی که به فعالیت خود ادامه می‌دهند، اما هیچ پیشرفتی در رابطه با مأموریت خود ندارند. احتمال سوم این است که آن‌ها توسعه می‌یابند و مؤثر عمل می‌کنند (Gray, 2018: 1-13). جف دی. کولگان، رابرت او. کتوهان و ون‌دی گراف^۲ این ایده را بیشتر پرورش داده‌اند و نشان داده‌اند که سازمان‌های بین‌المللی در طول زمان تغییر می‌کنند. آن‌ها استدلال می‌کنند که اعضای اوپک در اواخر دهه ۱۹۹۰ «سازمان را دوباره تقویت کردند» و شروع به همکاری با صادرکنندگان غیرعضو برای رویارویی با چالش سقوط قیمت نفت در سال ۱۹۹۸ کردند (Colgan et al., 2012: 135).

روسیه پس از فراز و نشیب‌هایی که در رقابت با اوپک داشته است، در نهایت در یک نقطه به این نتیجه رسیده که هم‌راستا با جهانی شدن روابط و شبکه‌ای شدن آن، لازم است تا به صورت سازمانی نیز منافع خود را به خصوص در قسمت انرژی به سازمانی مانند اوپک که بزرگ‌ترین کارتل تصمیم‌گیرنده بازار انرژی است گره بزند. این تصمیم ناشی از تجربه‌های فراوان همکاری و رقابت با سازمان اوپک در طول زمان است.

در فرایند دیپلماسی انرژی که روسیه دنبال کرده، عمل‌گرایی و اعتقاد امنیت انرژی برای روسیه مهم بوده است. البته این تمایل به نزدیکی از جانب اوپک نیز وجود داشته است و روسیه این عمل را به تنهایی انجام نداده و در قالب یک ائتلاف بوده است؛ به طوری که ابتدا سعی کرده نظر دیگر شرکت‌کنندگان غیراوپکی را جلب کند و به عنوان رئیس کشورهای صادرکننده نفت غیراوپک درآید. تلاش‌های اوپک برای هماهنگی تولید با تأمین‌کنندگان غیراوپک به اوایل دهه ۱۹۸۰ بازمی‌گردد. در سال ۱۹۸۳، اوپک با مکزیک، اتحاد جماهیر شوروی، مصر، چین و بریتانیا ارتباط برقرار کرد. از اواسط دهه ۱۹۸۰، عربستان سعودی نه تنها از سایر کشورهای عضو اوپک، بلکه از صادرکنندگان خارج از سازمان نیز انتظار همکاری داشت. در نیمه اول سال ۱۹۸۶، عربستان سعودی یک سیستم قیمت‌گذاری نت بک^۳ را اتخاذ کرد که عملاً بازار را با نفت خود پر کرد و باعث سقوط قیمت شد (Ulatowski, 2020: 246).

1. Julia Gray

2. Jeff D. Colgan, Robert O. Keohane & Van de Graaf

3. Netback price; قیمت بر اساس بازیافت فرآورده

بین نوامبر ۱۹۸۵ و مارس ۱۹۸۶، قیمت‌ها ۶۶ درصد کاهش یافت. سقوط قیمت نفت در اواسط دهه ۱۹۸۰ پیامدهای سیاسی نیز داشت، از جمله اینکه به سقوط اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ کمک کرد. در ژانویه ۱۹۸۷، عربستان سعودی هشام ناظر (وزیر نفت و منابع معدنی عربستان سعودی) را برای یک مأموریت دیپلماتیک به اتحاد جماهیر شوروی فرستاد. ناظر همچنین از مصر، نروژ، ایالات متحده و بریتانیا بازدید کرد تا این تولیدکنندگان را متقاعد کند که تولید نفت خود را کاهش دهند. مأموریت شکست خورد. در سال ۱۹۸۸، اعضای اوپک به تلاش‌های دیپلماتیک خود برای کاهش عرضه جهانی نفت ادامه دادند. در مارس همان سال، هفت صادرکننده نفت در لندن برای گفت‌وگو درباره همکاری با اوپک ملاقات کردند: مکزیک، عمان، مصر، چین، مالزی، کلمبیا و آنگولا؛ اما نروژ، اتحاد جماهیر شوروی و برونتی به این دعوت پاسخ ندادند و پس از نشست لندن، کلمبیا عقب‌نشینی کرد. بنابراین، توافقی حاصل نشد. بعداً در سال ۱۹۸۸، اوپک بر مذاکره درباره سهمیه‌بندی میان اعضای خود تمرکز کرد؛ اما تردیدها در مورد توانایی اوپک برای کنترل قیمت‌ها در حال افزایش بود. مانا سعید العتیه، وزیر نفت امارات، استدلال کرد که بازار نفت خود مسئول تعیین قیمت نفت است. اوپک تنها با همه تولیدکنندگان غیراوپک قادر به انجام این کار خواهد بود. به‌طور کلی، در طول دهه ۱۹۹۰، قیمت نفت عمدتاً ثابت بود تا اینکه در سال ۱۹۹۸ سقوط کرد (Ulatowski, 2020: 247).

سقوط قیمت نفت در سال ۱۹۹۸ تأیید کرد که عربستان سعودی مایل نیست یک‌جانبه اقدام کند. در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل قرن ۲۱، تولیدکنندگان اوپک و غیراوپک نمی‌توانستند به هیچ استراتژی منسجم و بلندمدتی دست یابند و فعالیت‌های آن‌ها به افزایش نوسانات بازار کمک کرد. با این حال، هر دو گروه از تولیدکنندگان تجربه همکاری را انباشته کردند (Ulatowski, 2020: 249).

زمینه دیگری که باعث شد روسیه به این سمت برود علاقه دیرینه شرکت‌های روسی به ایجاد زیرساخت‌ها در بخش انرژی بود. حضور این شرکت‌ها سابقه همکاری موفق بین دو طرف را فراهم ساخت. شرکت‌های نفتی روسیه با آنکه به‌صورت خصوصی اداره می‌شدند، اما بیشتر سهامشان دولتی بود. این یعنی نفوذ دولت در تصمیم‌گیری‌های این شرکت‌ها زیاد است. این موضوع در نهایت به عمق رابطه روسیه با کشورهای حوزه خاورمیانه - که عمده‌ترین تصمیم‌گیرندگان بازار نفتی بودند - کمک فراوانی کرد و زمینه همکاری‌های بیشتر به‌صورت سازمانی و ائتلاف را فراهم آورد. در کنار این مورد، بهار عربی و همچنین اتحاد برای برطرف کردن مشکل سوریه نیز از نظر سیاسی موجب شد حضور روسیه در منطقه بیشتر شود. از جمله این مناسبات مهم می‌توان به روابط روسیه و عراق اشاره کرد.

از سال ۲۰۱۰ روسیه به دنبال نقش آفرینی بیشتر در خاورمیانه، به عراق توجه ویژه‌ای کرد. در سال ۲۰۱۲ در زمان حملات داعش به عراق، پس از اینکه نوری المالکی از آمریکا برای گرفتن کمک تسلیحاتی ناامید شد، فرصت مناسبی برای روسیه برای نقش آفرینی به وجود آمد؛ به خصوص که قیمت نفت در ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ چهار برابر شد و روسیه توانست بدهی‌های خود را تا سال ۲۰۰۶ به صندوق بین‌المللی پول و باشگاه پاریس بپردازد و به دنبال نقش نوینی در جهان باشد. عراق نیز پس از داعش دچار بحران و نیازمند کمک بود و نوری المالکی در این زمان با خرید اسلحه از روسیه می‌خواست با ایالات متحده موازنه کند. در سال ۲۰۱۸ نیز پیمانی برای همکاری فنی و نظامی و تسلیحاتی بین دو کشور امضا شد. سپس شاهد حضور شرکت‌های نفتی مهم روسی از جمله لوک‌اویل و گازپروم^۱ در بزرگ‌ترین حوزه‌های نفتی عراق هستیم. شرکت رُزنفِت^۲ روسیه نیز در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ در منطقه کردستان عراق به دستاوردهای خوبی دست یافته است (زمردی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۴-۸۷).

به عبارتی، روسیه با سیاست چراغ خاموش می‌کوشید بدون برانگیختن حساسیت‌های آمریکا، همکاری‌های اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری به‌ویژه در بخش‌های انرژی و تسلیحاتی را توسعه ببخشد که به باور صاحب‌نظران، تا کنون در حوزه انرژی موفقیت‌های کرمین به مراتب چشمگیرتر بوده است. به عبارت دیگر، مسکو از ۲۰۰۸ که ۱۲ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار بدهی خود را به عراق بخشید، روابط انرژی خود را با بغداد از طریق عقد قرارداد چهار میلیارد دلاری با عراق آغاز کرد تا بخشی از پسرفت مناسبات دوجانبه‌ای را که در نتیجه اشغال عراق در ۲۰۰۳ آسیب دیده بود جبران کند. روس‌ها از آن زمان، ورود آرام خود را به بخش انرژی در عراق کلید زدند که بخش اعظم آن، از دروازه کردستان عراق بوده است (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۵ آذر ۱۳۹۹). روابط نفتی روسیه با اقلیم کردستان نیز زمانی آغاز شد که بغداد و اربیل در دسامبر ۲۰۱۴ در خصوص نحوه صادرات نفت اقلیم کردستان و چگونگی وجوه آن به توافق رسیدند. در واقع روسیه سعی کرده اختلافات بین اقلیم و حکومت مرکزی را مدیریت کند و هنر دیپلماسی روسیه حفظ و توسعه مناسبات با هر دو طرف کردها و دولت مرکزی عراق بوده است (بوداگی و همکاران، ۱۴۰۰: ۸۹۱-۸۹۲).

همچنین بزرگ‌ترین عاملی که روابط عربستان به‌عنوان عضو اصلی اوپک و روسیه را تقویت کرد، الحاق ملک سلمان در سال ۲۰۱۵ و به دنبال آن ظهور محمد بن سلمان بود. محمد بن سلمان پس از انتصاب به معاونت ولیعهدی در آوریل ۲۰۱۵، برای دیدار با پوتین درباره مسائل نفتی به سن پترزبورگ

1. Gazprom
2. Rosneft

رفت. سلمان اولین پادشاه سعودی بود که در اکتبر ۲۰۱۷ به مسکو سفر کرد و توافقنامه‌هایی را با رئیس‌جمهور پوتین امضا کرد که شامل ایجاد یک صندوق سرمایه‌گذاری مشترک انرژی به ارزش یک میلیارد دلار بود (Coates Ulrichsen et al, 2022).

از زمینه‌های دیگر همکاری بین روسیه و اوپک می‌توان به مسئله نفت آمریکا اشاره کرد. در واقع پس از ۲۰۱۴ شکل جدیدی از همکاری بین این دو پس از کاهش قیمت نفت تحت فشار انقلاب شیل^۱ و بحران مالی شکل گرفت. در طول دهه گذشته، ظرفیت تولید نفت شیل ایالات متحده به شدت افزایش یافته است. پیشرفت فناوری استخراج همراه با سرمایه‌گذاری در سیستم‌های خط لوله و ظرفیت ریلی این امکان را به تولیدکنندگان آمریکایی داده است که تولید خود را بالاتر از دو تولیدکننده بزرگ نفت دیگر، یعنی روسیه و عربستان سعودی، گسترش دهند.

بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵، سهم تولید ایالات متحده در بازار جهانی نفت از ۹ درصد به ۱۴ درصد افزایش یافت که به زیان کشورهای اوپک و همچنین سایر تولیدکنندگان خارج از کارتل بود. در سال ۲۰۱۴ اوپک با کنار گذاشتن سهمیه‌های تولید و افزایش تولید نفت به رونق تولید آمریکا واکنش نشان داد (Quint & Vendit, 2020: 7). در میان اعضای غیر اوپک این ائتلاف تولیدکنندگان بزرگی مانند روسیه (دومین تولیدکننده بزرگ نفت)، مکزیک و قزاقستان حضور داشتند که به مقابله با نفت شیل آمریکا شروع به سیاست‌گذاری کردند. انگیزه همکاری جدید روسیه با اوپک هم ملاحظات سیاسی و هم اقتصادی بود. رهبری روسیه همکاری بین‌المللی را یک اقدام متقابل نمادین و عملی در برابر تلاش کشورهای غربی برای منزوی کردن روسیه از طریق تحریم‌ها می‌دانست. همچنین سابقه تعاملات با اوپک به روسیه نشان داد که نزدیکی بیشتر به اوپک می‌تواند باعث تسلط بیشتر روسیه بر بازار باشد و امنیت انرژی را برای آن به ارمغان آورد.

برآوردها نشان داده زمانی که این دو بازیگر به هم نزدیک شده‌اند بازار نفت رونق بیشتری گرفته است. در فاصله ژانویه ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۶ قیمت نفت از حدود ۶۵ دلار به حدود ۳۰ دلار تنزل یافت که دوره‌ای از عدم همکاری میان روسیه و اوپک به شمار می‌آید. برخلاف این دوره‌ها، در مقاطعی که همکاری میان این دو بازیگر صورت پذیرفته قیمت جهانی نفت تحت تأثیر قرار گرفته و روندی افزایشی داشته است. به‌عنوان نمونه، در فاصله سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱، قیمت نفت از حدود ۸ دلار به حدود ۴۰ دلار، در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ از حدود ۳۰ دلار به حدود ۱۴۰ دلار، در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴، از

حدود ۷۰ دلار تا ۱۱۰ دلار، در سال‌های ۲۰۱۶ تا پایان ۲۰۱۷ از حدود ۴۰ دلار تا ۶۵ دلار افزایش داشته است. این روند نشان‌دهنده تأثیر رقابت و همکاری دو بازیگر در دو دهه گذشته است (مرادی و بهرامی‌پور، ۱۳۹۶: ۱۶۱-۱۶۲).

۷. روابط روسیه پس از تشکیل اوپک پلاس

در دسامبر ۲۰۱۶، وزیر سابق نفت و منابع معدنی عربستان سعودی، علی النعیمی، در جریان بحثی در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی، رویدادهای نوامبر ۲۰۱۴ را گزارش کرد. او به دو واقعیت مهم برای این تحلیل اشاره کرد: ابتدا، نشست چهار کشور (عربستان سعودی، ونزوئلا، مکزیک، روسیه) که قبل از کنفرانس اوپک برگزار شد. به نظر می‌رسید که رایزنی اوپک و غیراوپک هنجار جدیدی باشد، اگرچه در نوامبر ۲۰۱۴ به هیچ چیز قطعی منجر نشد. دوم، بحث در حال انجام در داخل اوپک. نمایندگان همه کشورهای عضو تمایل خود را برای کاهش تولید ابراز کردند، اما در عین حال مسئولیت را از خود دور کردند (Ulatowski, 2020: 250). کرملین درباره نتیجه این ابتکار تردید داشت، اما به الکساندر نواک، وزیر انرژی اجازه داد تا به این معامله ادامه دهد. چشم‌انداز افزایش قیمت نفت بسیار جذاب بود؛ زیرا می‌توانست بودجه روسیه را از برخی مشکلات حاد که در آن زمان به دلیل سقوط قیمت نفت، تحریم‌ها و تورم تجربه می‌کرد نجات دهد.

در ۱۰ دسامبر ۲۰۱۶ سند همکاری کشورهای اوپک با کشورهای تولیدکننده نفت که عضو این کارتل نیستند امضا شد که بی‌سابقه بود. برای اولین بار امکان دستیابی به توافق بر سر کاهش داوطلبانه حجم تولید نفت وجود داشت که بسیار فراتر از اوپک است. تلاش کشورهای اوپک با هدف بازگرداندن و تعادل مجدد بازار جهانی نفت با حمایت ۱۱ تولیدکننده جهانی دیگر همراه شد که بزرگ‌ترین آن‌ها روسیه است. این توافق مهم‌تر به نظر می‌رسد؛ زیرا بیش از یک دهه از آخرین توافقی که بین کشورهای اوپک و غیراوپک منعقد شده است می‌گذرد. با این حال، افزایش تولید در تعدادی از کشورهایی که توافق‌نامه را امضا نکردند، برای مثال در کانادا و برزیل مشاهده شد. مذاکرات و حصول توافق بین کشورهای اوپک و کشورهای خارج از کارتل در دسامبر ۲۰۱۶ به افزایش جدی قیمت نفت طی سال گذشته از حدود ۳۰ دلار به ۵۵ دلار در هر بشکه کمک کرد که بر اساس برخی برآوردها، این عمل افزایش بودجه روسیه به میزان ۱٫۵ تریلیون روبل را به همراه داشت (Reinhardt & Pronichkin, 2018: 103). همان‌گونه که گفته شد، از عوامل مهمی که موجب شده این ائتلاف شکل بگیرد، تغییر تولید نفت شیل آمریکا بوده است.

ظهور نفت شیل ایالات متحده به‌طور اساسی ساختار تولید جهانی نفت را تغییر داده است. ظهور ایالات متحده به‌عنوان یک بازیگر مسلط در بازار، پیامدهای عمیقی بر رفتار استراتژیک سایر تولیدکنندگان نفت داشته است؛ به‌ویژه برای تولیدکنندگانی که در سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) متحد شده‌اند. اوپک که متشکل از ۱۴ عضو از جمله تولیدکنندگان بزرگ مانند عربستان سعودی، عراق، ایران و امارات متحده عربی است، حدود ۴۳ درصد از تولید جهانی نفت را در سال ۲۰۰۸ به خود اختصاص داده است. در سال ۲۰۱۹ سهم آن به ۳۹ درصد کاهش یافت؛ زیرا ایالات متحده سهم بازار نفت خود را از ۸ به ۱۵ درصد افزایش داده بود. در دسامبر ۲۰۱۵ پس از لغو ممنوعیتی که تولیدکنندگان را از فروش نفت به خارج از کشور منع می‌کرد، ایالات متحده نه تنها بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت، بلکه صادرکننده مهم نفت نیز شناخته شد. در نتیجه، قدرت قیمت‌گذاری اعضای اوپک به‌طور قابل توجهی تضعیف شد، قیمت نفت کاهش یافت و مازاد عرضه ظاهر شد. بنابراین، در سال ۲۰۱۶، اوپک و تعدادی دیگر از تولیدکنندگان نفت غیرآمریکایی، در تلاش برای بازگرداندن کنترل بر قیمت‌های نفت خام، اتحادی به نام اوپک پلاس تشکیل دادند (Quint & Vendit, 2020: 4).

در اواخر سال ۲۰۱۶، اوپک و روسیه برای مقابله با چالش تولید نفت شیل آمریکا نیروهای خود را ملحق کردند و اتحاد جدید منجر به همکاری ۲۴ کشور تولیدکننده نفت شد که توافق کردند تولید خود را محدود کنند و از کاهش قیمت‌ها جلوگیری کنند. اولین نتایج ملموس این همکاری در نیمه دوم سال ۲۰۱۷ با شروع کاهش عرضه مازاد آشکار شد. تا ژانویه ۲۰۱۸، قیمت نفت برنت به بالای ۷۱ دلار در هر بشکه رسید که بالاترین سطح از دسامبر ۲۰۱۴ بود. مسکو نقش مهمی در توافق اوپک پلاس ایفا کرد که به افزایش اعتبار روسیه در جهان عرب و برخی کشورهای غیرعرب تولیدکننده نفت کمک کرد و همچنین انزوای بین‌المللی را - که کشورهای غربی کوشیدند به سبب درگیری با اوکراین به روسیه تحمیل کنند - خنثی کرد (Fjaertoft & Overland, 2015: 145-158).

رونق بازار نفت شیل ایالات متحده، هم‌زمان با شوک تقاضای بزرگ ناشی از کندی اقتصاد چین، فشار نزولی بیشتری بر قیمت نفت خام وارد کرد. انعطاف‌پذیری تولیدکنندگان آمریکایی استراتژی اوپک را در درازمدت ناپایدار کرد؛ زیرا موقعیت بیشتر کشورهای اوپک بین سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۶ به دلیل کاهش قیمت نفت به‌شدت بدتر شد. در اواخر سال ۲۰۱۶، اوپک با بازگشت به سیاست تثبیت قیمت و با ایجاد اتحاد با برخی کشورهای بزرگ غیراوپک، رویکرد خود را بازنگری کرد. اوپک با هدف ایجاد توازن مجدد در بازار نفت با مازاد عرضه، با ۱۰ کشور غیرعضو اوپک توافق کرد. در پی این توافق که

اوپک پلاس را تأسیس کرد، اوپک حدود ۴۵ درصد از تولید جهانی نفت را به خود اختصاص داد. این استراتژی که در نوامبر ۲۰۱۶ اعلام شد، شامل کاهش تولید ۱.۸ میلیون بشکه در روز بود که از ژانویه ۲۰۱۷ اجرایی شد. این توافق متعاقباً تمدید و تقویت شد. در دسامبر ۲۰۱۸ و دسامبر ۲۰۱۹، اوپک پلاس برای کاهش بیشتر به ترتیب ۳ و ۹ میلیون بشکه در روز مذاکره کرد (Quint & Vendit, 2020: 8).

در ۲۰۱۷ اعضای ائتلاف درک کردند که محدودیت در تولیدشان یکی از دلایل احیای صنعت شیل آمریکا بود؛ اما به دلیل نیازهای بودجه‌ای و تمایل به مدیریت بازار نفت، تصمیم به کاهش بیشتر تولید گرفتند. در پنجمین اجلاس وزیران اوپک و غیراوپک، آن‌ها تصمیم گرفتند تولید خود را حدود ۱.۲ میلیون بشکه در روز کاهش دهند. به طور کلی، پایبندی اعضای توافق اوپک پلاس در سطح بسیار بالایی است. عرضه رو به رشد ایالات متحده اعضای اوپک پلاس را به سومین تصمیم برای کاهش تولید در دسامبر ۲۰۱۹ سوق داد (Ulatowski, 2020: 253).

همکاری اوپک و روسیه از سال ۲۰۱۷ افزایش بیشتری پیدا کرده است. روسیه در این موضوع دو هدف را دنبال می‌کند: (۱) از همکاری با اوپک به عنوان یک اهرم فشار به آمریکا بهره می‌گیرد، در بازار نفت نفوذ می‌کند تا موضع غرب را به خود تعدیل کند و در واقع یک رقابت ژئوپولیتیک جدید در خاورمیانه با آمریکا و غرب را دنبال می‌کند. (۲) روسیه به درآمد نفتی متکی است و قصد دارد از طریق همکاری با اوپک مانع کاهش قیمت‌ها شود تا اقتصادش با رکود مواجه نشود (مرادی و بهرامی پور، ۱۳۹۶: ۱۵۸). اوپک مصمم بود به بازی با روسیه ادامه دهد و احتمال قطع ناگهانی این همکاری‌ها را کاهش دهد. عربستان سعودی با فراخوان برای همکاری فراتر از سال ۲۰۱۸، مسیری را که برای بازار می‌خواست ترسیم کرد؛ طبق آن اوپک پلاس نقشی دائمی در مدیریت انتظارات بازار ایفا می‌کند و به جای حداکثر کردن تولید، حداکثر کردن درآمد اصلی‌ترین اصل راهنماست. برای همین کمیته نظارت مشترک وزیران اوپک / غیراوپک در ژانویه ۲۰۱۸ در مسقط عمان اعلام کرد که تولیدکنندگان باید همکاری خود را پس از سال ۲۰۱۸ گسترش دهند تا به سهامداران، سرمایه‌گذاران، مصرف‌کنندگان و جامعه جهانی اطمینان دهند که این چیزی است که باید دائمی بماند (Krutikhin & Overland, 2020: 247-248).

به طور کلی، در روسیه دو نوع دیدگاه درباره این همکاری وجود دارد: عده‌ای آن را کاملاً ضروری و به نفع روسیه می‌دانند؛ اما گروه دوم آن را در طولانی مدت خطرناک ارزیابی می‌کنند. در فوریه ۲۰۱۹، ایگور سچین با هشدار اعلام کرد که همکاری با اوپک به یک تهدید استراتژیک برای صنعت نفت روسیه تبدیل شده است. در مقابل، مقامات و کارشناسان دولتی روسیه که از تمدید توافق با اوپک حمایت

می‌کردند، معتقد بودند که حتی یک دوره کوتاه افزایش قیمت نفت به صنعت نفت روسیه کمک می‌کند و از کاهش قریب‌الوقوع تولید به دلیل عدم سرمایه‌گذاری جلوگیری می‌کند (Krutikhin & Overland, 2020: 248).

البته پس از تشکیل اوپک‌پلاس نیز همکاری‌ها دارای فراز و نشیب‌های متعددی بوده است. هنوز تا هماهنگی کامل تصمیم‌گیرندگان فاصله وجود دارد. شاید یکی از دلایل آن نداشتن عمق استراتژیک بین دو طرف و دغدغه‌های متفاوت دو طرف باشد. برای مثال، در مارس ۲۰۲۰، ائتلاف اوپک‌پلاس شکست؛ زیرا عربستان سعودی و روسیه نتوانستند درباره استراتژی مشترک برای پاسخ به سقوط تقاضا در اثر بحران کووید-۱۹ به توافق برسند. زمانی که اوپک اجرای کاهش بیشتر تولید را برای بالا بردن قیمت نفت پیشنهاد کرد، روسیه با این استدلال که تولیدکنندگان آمریکایی بیشترین سود را از تولیدات جدید برای افزایش قیمت‌ها خواهند برد، از همکاری خودداری کرد (Quint & Vendit, 2020: 4).

در آوریل ۲۰۲۲، در دهمین نشست فوق‌العاده وزیران نفت و انرژی کشورهای عضو و غیرعضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)، یعنی اوپک‌پلاس درباره کاهش تولید نفت به میزان ۱۰ میلیون بشکه در روز موافقت شد. در چند ماه پس از این تاریخ نیز تصمیمات مختلفی هم بر سر میزان و هم بر سر قیمت‌ها از سوی عربستان و روسیه اتخاذ شده است؛ اما ارزش روابط گسترده با عربستان سعودی برای مسکو در هفته‌ها و ماه‌های پس از حمله دوم روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ مشخص شد.

در ۱۶ ژوئیه ۲۰۲۲، در جریان سفر پرزیدنت بایدن، ولیعهد محمد بن سلمان اعلام کرد ظرفیت تولید را از ۱۲ میلیون بشکه در روز به ۱۳ میلیون بشکه افزایش خواهد داد که تکرار برنامه‌های دیرینه آرامکو عربستان بود. ولیعهد پس از اعلام این خبر گفت: «پس از آن، پادشاهی دیگر قابلیت برای افزایش تولید نخواهد داشت.» عربستان در واقع در چارچوب تنوع روابط خود به سمت روسیه تمایل پیدا کرد و به‌خصوص بعد از حمله روسیه به اوکراین آن را نشان داد. تولید عربستان از ۵٫۴ میلیون بشکه در روز در ژوئیه، یک ماه قبل از تهاجم، به حدود ۸ میلیون بشکه در روز تا سپتامبر افزایش یافت. با وجود ترس از اختلال در عرضه نفت، عربستان سعودی به همکاری با روسیه در گروه اوپک‌پلاس برای مدیریت تولید ادامه داده است. در اکتبر ۲۰۲۲، برخلاف درخواست‌های دولت بایدن، اوپک‌پلاس موافقت کرد که برای حمایت از قیمت‌ها، اهداف تولید را ۲ میلیون بشکه در روز کاهش دهد. روسیه که با رگبار تحریم‌هایی مواجه بود از طریق همکاری با عربستان و ایجاد دریچه‌ای اقتصادی توانست از غرب که متحدان دیرینه عربستان نیز بودند انتقام بگیرد؛ به‌خصوص که در آخرین نشست این گروه برای تمدید

می‌تواند تحقق پیدا کند. البته برای این نتیجه‌گیری به زمان و بررسی بیشتر عملکرد آن‌ها نیاز است.

۸. دستاوردهای روسیه در پیوستن به اوپک پلاس

عربستان بزرگ‌ترین صادرکننده نفت اوپک است و روسیه بزرگ‌ترین صادرکننده نفت غیر اوپک. تعامل این دو کشور می‌تواند اهمیت بالایی داشته باشد. روسیه همواره تلاش می‌کرد از اختلافات اعضای اوپک با یکدیگر و متغیرهای متعددی که در حوزه نفت وجود دارد بیشترین بهره را ببرد؛ به‌خصوص در زمان‌هایی که قیمت نفت تنزل می‌کند، به دنبال آن است از طریق ایجاد خطوط همکاری‌های مشترک با اوپک و احتمالاً از طریق کاهش تولید، به افزایش قیمت نفت یاری رساند و منافع مشترک جدیدی هرچند کوتاه‌مدت ایجاد کند (مرادی و بهرامی‌پور، ۱۳۹۶: ۱۶۲؛ به نقل از قربانی، ۱۳۹۶: ۵). به‌طور کلی می‌توان مزیت‌های همکاری‌های جدید را که در قالب اوپک پلاس شکل گرفته، برای روسیه بسیار مفیدتر از طرف دیگر ارزیابی کرد.

عربستان برای دهه‌ها تنها بازیگر تصمیم‌ساز در زمینه نفت بود؛ اما اکنون شاهد هستیم که روسیه در کنار این کشور دارای وزن مشابهی است. به‌خصوص زمانی که روسیه به‌تنهایی مسئول تولید جهانی بیش از ۱۰ درصد از نفت است. این اولین مزیتی است که این ائتلاف داشته است.

توافق اوپک پلاس نشان‌دهنده تغییر قدرت بازار جهانی به سمت بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان، عمدتاً عربستان سعودی و روسیه است. تولیدکنندگان متوسط اوپک به حاشیه رانده شده‌اند. دوره طولانی قیمت‌های متوسط نفت و آینده نامشخص این قیمت‌ها، سرمایه‌گذاری در صنایع نفت آن‌ها را محدود می‌کند و اهمیت عربستان سعودی، روسیه و گروه کوچکی از تولیدکنندگان ارزان‌قیمت خلیج فارس را دوچندان می‌کند. جنگ قیمتی که در مارس ۲۰۲۰ آغاز شد تنها این روند را تسریع کرد (Ulatowski, 2020: 256). به‌خصوص توافق‌های سال جاری که عربستان و روسیه تصمیم‌گیرندگان آن بوده‌اند، نقش کشورهایمانند ایران را کم‌رنگ کرده است.

مزیت دیگر این است که این ائتلاف موجب محبوبیت و اطمینان بیشتر به پوتین در داخل کشور شده است. پس از تیره شدن دوباره روابط روسیه و آمریکا، هم‌زمان شاهد تیره شدن روابط عربستان با آمریکا نیز بوده‌ایم. همین عامل مزایای همکاری بین روسیه و عربستان را در قالب تصمیم‌گیرندگان مهم اوپک پلاس افزایش داده است و به دنبال آن، رؤیای پوتین را برای ابرقدرتی انرژی و تسلط بر بازار رقم می‌زند. این یعنی پیروزی بزرگ در دیپلماسی انرژی روسیه. همچنین بر اثر این همکاری برای دولت روسیه کنترل اوضاع در حالت تحریم راحت‌تر پیش خواهد رفت. با وجود تحریم‌هایی که اروپا و آمریکا

به روسیه داشته‌اند، این کشور سعی کرده بازار جهت خود را تغییر دهد و خاورمیانه بهترین گزینه بوده است؛ به خصوص که روسیه از سال‌ها قبل توانسته جای پای محکمی در آنجا باز کند.

دولت روسیه و لوک اویل چنان درهم آمیخته‌اند که سایوتس به این نکته اشاره می‌کند که آنچه برای لوک اویل خوب است برای روسیه نیز خوب است. به لطف افزایش قیمت انرژی، روسیه از کابوس اقتصادی و سیاسی دهه ۱۹۹۰ رهایی یافت، بدهی‌های خارجی خود را از قبل پرداخت کرد، بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار صندوق تثبیت را پس‌انداز کرد، سومین ذخایر بزرگ دولتی در جهان را جمع‌آوری کرد و نفوذ خود را فراتر از مرزهای جنگ سرد گسترش داد. علاوه بر این، هر دلار افزایش قیمت نفت، درآمدهای بودجه فدرال روسیه را تقریباً ۰/۳ درصد از تولید ناخالص داخلی افزایش می‌دهد. این وابستگی متقابل بین قیمت انرژی و بقای روسیه به‌عنوان یک قدرت انرژی، آن را به تلاش برای جلوگیری از کاهش قیمت انرژی برمی‌انگیزد. بنابراین، روسیه با کشورهای صادرکننده انرژی منطقه برای حفظ قیمت‌ها در سطح معقول درخواست همگام‌سازی و همکاری می‌کند (Ernler, 2013: 194).

در سال ۲۰۱۷، زمانی که تصمیم مشترک درباره کاهش تولید اجرایی شد و قیمت نفت دوباره رو به افزایش بود، طبق محاسبات آژانس بین‌المللی انرژی، روسیه ۱۱۷ میلیون دلار درآمد اضافی در روز دریافت کرد. از آنجا که هزینه‌های بودجه فدرال در سال ۲۰۱۷ بالغ بر ۱۶٫۶ تریلیون روبل بود، این اثر معادل تقریباً ۱۴ درصد از هزینه‌های دولت بوده است. در دسامبر ۲۰۱۸، نواک اظهار داشت که روسیه به لطف همکاری با اوپک، ۱۲۰ میلیارد دلار اضافی تر در سال ۲۰۱۷/۲۰۱۸ به دست آورده است. این درآمد اضافی به دولت روسیه امکان داد تا عمر یکی از ثروت‌های مستقل خود را افزایش دهد؛ یعنی صندوق ذخیره که در ۲۰۱۶ انتظار می‌رفت در اوایل سال ۲۰۱۷ تخلیه شود. همچنین در پی افزایش قیمت نفت، عمر صندوق تا اوایل سال ۲۰۱۸ دوام آورد و تا آن زمان به‌طور کامل هزینه شده بود و در صندوق رفاه ملی، یکی دیگر از صندوق‌های ثروت دولتی، ادغام شد (Krutikhin & Overland, 2020: 245).

۹. نتیجه‌گیری

از آنجا که هنوز نفت و گاز به‌عنوان مهم‌ترین منابع انرژی در دنیا محسوب می‌شوند، سیاست خارجی روسیه در چارچوب عمل‌گرایانه به سمت یک دیپلماسی کارآمد انرژی حرکت کرده است. از جانی در چارچوب تحریم‌های غرب و تلاش برای انزوای بین‌المللی، هر سازمان بین‌المللی که آماده تعامل با روسیه باشد، مورد علاقه کرملین است. همکاری با اوپک، حتی بدون پیوستن به این سازمان به‌عنوان یک عضو، راهی برای دولت روسیه است تا به مخاطبان خارجی و داخلی نشان دهد که روسیه همچنان به دنبال

ایفای نقش در امور جهانی به خصوص در بازار انرژی است.

از زمان تأسیس اوپک، روابط روسیه با این سازمان همواره تا حدی پیچیده بوده است. شایان ذکر است که چندین بار تلاش برای ایجاد روابط سازنده بین روسیه و اوپک صورت گرفته است؛ اما شواهد نشان می‌دهد که همکاری در قالب اوپک پلاس بسیار مؤثرتر در حال پیشروی است. چندین عامل از جمله آمادگی عربستان برای کاهش تولید، آمادگی دیگر اعضای اوپک برای نقش در بازار انرژی و همچنین آمادگی روسیه و اعتماد به همکاری باعث شد تا ائتلاف اوپک پلاس بالاخره شکل بگیرد؛ ائتلافی که تصمیم‌گیری در آن می‌تواند بر روان‌شناسی بازار تأثیر بگذارد و منافع جانبی برای سیاست خارجی روسیه فراهم کند. پویایی اوپک پلاس، جایگاه ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه را به‌عنوان یک دلال قدرتمند در اوپک پلاس افزایش می‌دهد و تلاش‌های ایالات متحده و متحدانش برای متزوی ساختن روسیه در جامعه بین‌المللی را تضعیف می‌کند.

شیل یک آرمان مشترک بین عربستان سعودی و روسیه ایجاد کرد و در عین حال، تجارت نفت در برابر امنیت را که روابط واشنگتن-ریاض بر آن استوار بود، تضعیف کرد. همچنین همکاری عربستان و روسیه، دو بازیگر مهم در تصمیم‌گیری بازار انرژی، موجب کم‌رنج شدن دیگر بازیگران از جمله ایران در حال تحریم خواهد شد. روسیه که ایران را در شمال کشور نیز به‌عنوان رقیب می‌دید، اکنون با در دست گرفتن بازار حتی به سمت متزوی شدن ایران در این بازار پیش می‌رود؛ خواسته‌ای که برای عربستان نیز مقبول است. اما به این نکته نیز باید اشاره شود که این ائتلاف نوپا همچنان نیاز به خطا و آزمون‌های بیشتری دارد تا اعضا بتواند به‌طور کامل هماهنگ با یکدیگر پیش بروند. همان‌گونه که کشورهای عضو اوپک نیز در درون خود هنوز اختلافاتی را در زمینه عرضه انرژی دارند و با گسترده‌تر شدن این کارتل در قالب اوپک پلاس، چالش‌های آن نیز افزایش می‌یابد که نیاز به مدیریت بیشتر دارد.

منابع

- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله. (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی سیاست خارجی روسیه در دوران پوتین و مدودف»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۹ (۳۳)، ۹-۵۴.
- اسلامی، مسعود. (۱۳۹۱). «دیپلماسی انرژی ایران و روسیه: زمینه‌های همگرایی و واگرایی»، فصلنامه راهبرد، ۲۱ (۳): پیاپی ۶۴، ۱۸۹-۲۲۰.
- بوداگی، رحیم؛ محقق‌نیا، حامد؛ شهبایی، روح‌الله؛ جلال‌پور، شیوا. (۱۴۰۰). «تحلیل مقایسه‌ای سیاست خارجی آمریکا و روسیه در قبال اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر ایران»، فصلنامه روابط خارجی، ۱۳ (۴)، ۸۷۹-۹۰۱.
- حشمت‌زاده، محمدباقر. (۱۳۹۰). «پنجاه سال اوپک و سیاست»، فصلنامه راهبرد، ۲۰ (۳): پیاپی ۶۰، ۱۱۳-۱۴۰.

- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا). (۱۳۹۹/۹/۵). «روابط عراق و روسیه؛ انتظاراتی فراتر از وضع موجود»، قابل دسترس در: <https://www.ima.ir/news/84122447/%D8%B1%D9%88%D8%A7%D8%A8%D8%B7>
- زمردی انباجی، زهرا؛ حاجی یوسفی، امیرمحمد؛ موسوی شفقانی، سید مسعود. (۱۳۹۹). «عامل‌های مؤثر بر شکل‌گیری صف‌آرایی روسیه و عراق (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸)»، فصلنامه مطالعات اوراسیایی مرکزی، ۱۳ (۱)، ۷۱-۹۰.
- زهرانی، مصطفی؛ فرجی لوحه‌سرا، تیمور. (۱۳۹۴). «منابع بین‌المللی راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ فدراسیون روسیه»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ۸۵، ۶۷-۹۵.
- قربان، نرسی. (۳ خرداد ۱۳۹۶). «منفعت‌طلبی روس‌ها در اوپک»، روزنامه شرق، ۲۸۷۲، ۵.
- کریمی‌پور، داوود؛ نیاکویی، سید امیر؛ سیمیر، رضا. (۱۳۹۶). «نقش دیپلماسی انرژی در سیاست خارجی روسیه و قطر»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۶ (۲۲؛ پیاپی ۵۲)، ۱۷۷-۲۰۵.
- کوشکی، محمدصادق؛ طاهری بزی، ابراهیم. (۱۳۹۴). «حضور روسیه در خاورمیانه در دوره پوتین (احیای نفوذ روسیه در کشورهای زیر نفوذ اتحاد شوروی)»، مطالعات اوراسیایی مرکزی، ۸ (۱)، ۴۳-۶۲.
- کیانی، داوود؛ خان‌محمدی، زهره. (۱۳۹۶). «سیاست خاورمیانه‌ای روسیه از ۲۰۱۵-۲۰۱۱ (با تأکید بر کشورهای عربی)»، فصلنامه مطالعات اوراسیایی مرکزی، ۱۰ (۲)، ۳۴۱-۳۵۸.
- مرادی، سید مهدی؛ بهرامی‌پور، فرشته. (۱۳۹۶). «راهبرد انرژی روسیه: ضرورت همکاری با اوپک»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰، ۱۴۷-۱۷۲.

References

- Abolhassan Shirazi, H. (2016). "Comparative Study of Russian Foreign Policy under Putin and Medvedev Periods.. *Research Letter International Relation*, 9 (33), 9-54. [In Persian].
- Aljazeera. (6 Oct 2022). "Why is OPEC+ Cutting Oil Production and what's next?" <https://www.aljazeera.com/news/2022/10/6/why-is-opec-cutting-global-oil-production>.
- Bodaghi, R.; Mohagheghnia, H.; Shahabi, R.; Jalalpoor, Sh. (2022). "Comparative Analysis of US and Russia's Foreign Policy towards the Iraqi Kurdistan Region and its Impact on Iran". *Foreign Relation Quarterly*, 13 (52), 879-901. [In Persian].
- Česnakas, Giedrius. (2010). "Energy Resources in Foreign Policy: A Theoretical Approach". *Baltic Journal of Law & Politics*, 3 (1).
- Colgan, J. D.; Keohane, R. O.; Van de Graaf. (2012). "Thijs: Punctuated Equilibrium in the Energy Regime, Complex". *Review of International Organizations*, 7 (2).
- Dasgupta, B. (1975). "Soviet Oil and Third World". *World Development*, 3 (5), 345-360.
- Erenler, M. (2013). "Muharrem Erenler Expanding Energy Empire Further: Russian Ambitions in the Middle East Visa-A-Vis Hydrov=carbon Resources: AN Appraisal Untll the spring, the Institute of Eurasian Studies.. *Istanbul University Academic MIDDLE EAST*, 8 (1).
- Eslami, M. (2012). "Iran's Legal System and the Issue of Environmental Policymaking.. *The Scientific Journal of Strategy*, 21 (64), 189-220. [In Persian].
- Financial Times. (23 may2022). "Saudi Arabia Signals Support for Russia's Role in Opec+ as Sanctions Pressure Mounts". In:
- Ghorban, N. (2016). "The Interest of the Russians in OPEC", *Sharq newspaper*, 2872, 5. [In Persian].
- Gray, J. (2018). "Life, Death, or Zombie? The Vitality of International Organizations". *International Studies Quarterly*, 62 (1).

- Heshmatzadeh, M. B. (2013). "Fifty Years of OPEC and Politics.. *Strategy Quarterly*, 20 (60), 113-140. [In Persian].
<https://www.ft.com/content/87ac05cd-d1e4-4495-8064-60d97b17f5f4>.
- Islamic Republic of Iran News Agency (IRNA). (9/5/2019). "Iraq-Russia Relations; Expectations beyond the Status Quo". Accessible At: <https://www.irna.ir/news/84122447/%D8%B1%D9%88%D8%A7%D8%A8%D8%B7> [In Persian].
- Karimipour, D.; Nayakoi, S. A.; Simbar, Reza. (2017). "The Role of Energy Diplomacy to Foreign Policy; A Comparative Study of Russia & Qatar". *Journal of Political Strategic Studies*, 6 (52), 177-205. [In Persian].
- Kiani, D.; Khanmohammadi, Z. (2017). "Russia's Middle East Policy 2011-2015 (With an Emphasis on Arab Countries).. *Central Eurasia Studies*, 10, 341-358. [In Persian].
- Koushki, M. S.; Taheri Bezi, E. (2015). "Presence of Russia in the Middle East under Putin, the Revival of Russian Influence on the Former Communist Countries.. *Journal of Central Eurasia Studies*, 8 (1), 43-62. [In Persian].
- Krutikhin, M.; Overland, I. (2020). "OPEC and Russia: A Happy Pro Forma Marriage.. in Dag Harald Claes and Giuliano Garavini (eds) *Handbook of OPEC and the Global Energy Order Past, Present and Future Challenges*, London and New York: Routledge, 241-251.
- Mirza Sadaqat, H.; Saleem, H. A. (2017). "Energy Diplomacy in South Asia: Beyond the Security Paradigm in Accessing the TAPI Pipeline Project *Journal Energy Research & Social Science*, 34, 202-213.
- Moradi, S. M.; Bahramipour, F. (2018). "Russia's Energy Strategy: Necessity of Cooperation with OPEC.. *Central Asia the Caucasus Journal*, 23, 147-172. [In Persian].
- Overland, I.; Godzimirski, J.; Lunden, L. P.; Fjaertoft, D. (2013). "Rosneft's Offshore Partnerships: The Re-opening of the Russian Petroleum Frontier? *Polar Record*, 49 (249), 140-153.
- Quint, D.; Vendit, F. (2020). "The Influence of OPEC+ on Oil Prices: A Quantitative Assessment", *ECB Working Paper Series*, 2467.
- Reinhardt, R. O.; Pronichkin, S. V. (2018). "The Realist Paradigm of Energy Diplomcy in the Russian Scientific Tradition and Its Practicy Applicability.. *MGIMO Review of International Relations*, 1 (58), 94-109.
- Reuters. (6 oktobr 2022). "Explainer: Why Russia Stands to Gain Most from OPEC+ Oil Production Cuts". In: <https://www.reuters.com/business/energy/why-russia-stands-gain-most-opec-oil-production-cuts-2022-10-06>.
- Rudiany, N. P.; Anggraeni, S. D.; Firmansyah, M.; Nurhidayah, G. M. (2021), "The Implementation of Energy Diplomacy by Substate Actors: Approaches of Surabaya toward Kitakyushu", *IOP Conference Series: Earth and Environmental Science*, Vol. 753, Medan International Conference on Energy and Sustainability 27-28th October, 2020, Medan, Indonesia.
- Ulatowski, R. (2020). "OPEC+ As a New Governor in Global Energy Governance.. *Unisci Journal*, 53.
- Ulrichsen, K. C.; Finley, M.; Krane, J. (October 18, 2022). "The OPEC+ Phenomenon of Saudi-Russian Cooperation and Implications for US-Saudi Relations.. Baker Institute, October 18, 2022.
- Uludağ, M. B.; Karagül, S.; Baba, G. (2013). "Turkey's Role in Energy Diplomacy from Competition to Cooperation: Theoretical and Factual Projections *International Journal of Energy Economics and Policy*, 3, 102-114.
- Zahraei, M.; Faraji Lohesara, T. (2014). "The International Sources of Russian Federation National Security Strategy to 2020.. *Central Asia the Caucasus Journal*, 20 (85), 86-95. [In Persian].

- Zhang, Y.; Hajiyev, N.; Smirnov, V. (2021). "Tariff and Non-tariff Instruments of OPEC+ Trade Wars.. *Journal Energy Strategy Reviews*, 38, 100771.
- Zomorodi Anbaji, Z.; Hajiyousefi, A. M.; Mousavi Shafae, S. M. (2020). "Influencing Factors on Shaping Russia-Iraq Alignment (2011-2018)". *Jornal of Central Eurasia Studes*, 13, 71-90. [In Persian].

